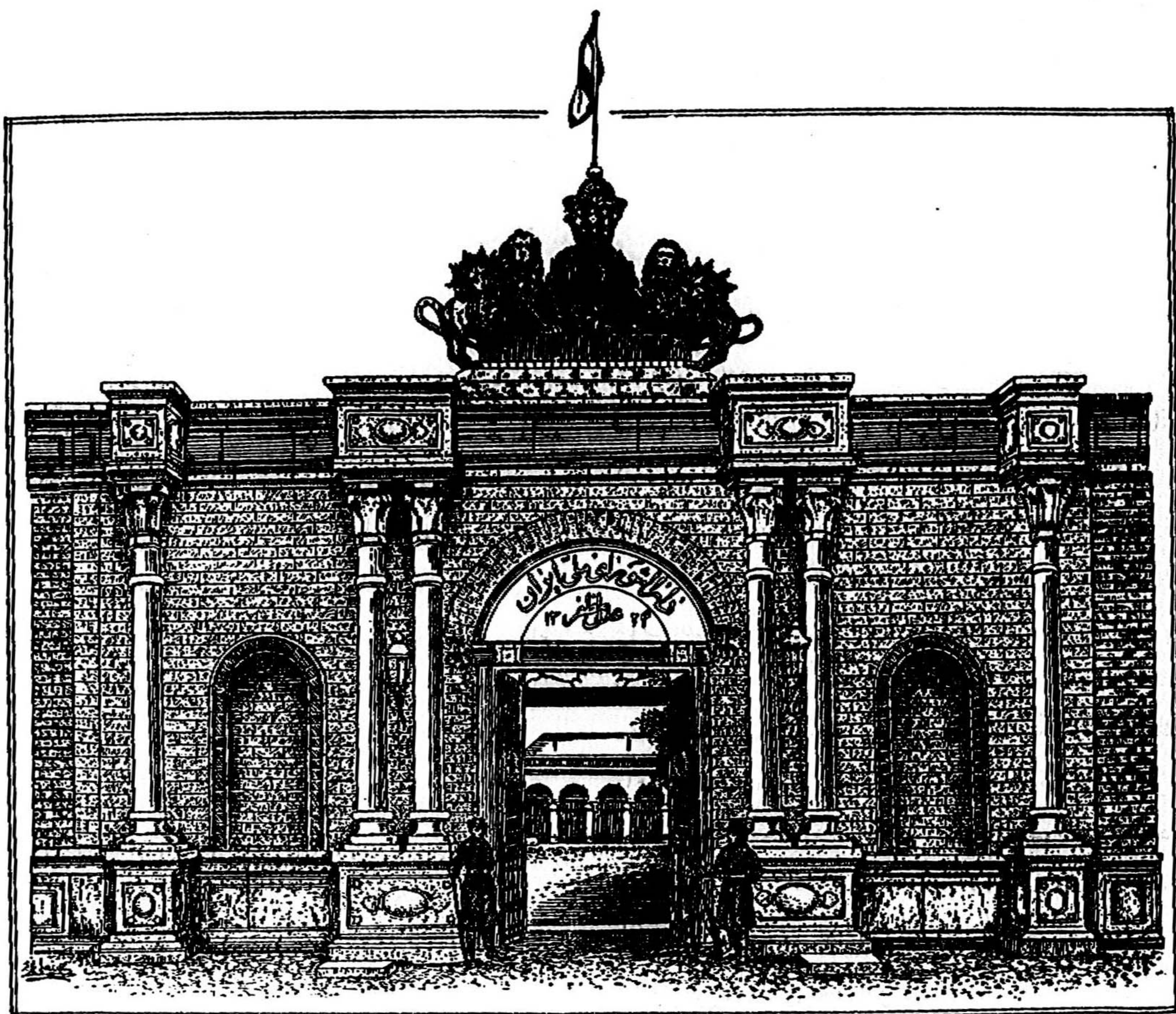


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۷۲</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۳۷</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۵ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲ جمادی الثانی ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعه مجلس</p>	<p>قیمت اشتراک داخل تهران عالیانه ده تومان خارجی بیارزده تومان قیمت تک شماره مطبعه</p>

فهرست مطالب

از صفحه	الی صفحه	عنوان	
۲۷۹۱	۲۷۹۰	تصویب مرخصی آقایان شیروانی و پچی خان زنکنه	۱
	۲۷۹۱	اعلام تشکیل کمیسیونهایی که نسبت بانها اختلاف نظری موجود نیست	۲
۲۸۱۱	۲۷۹۱	مذاکره در اطراف خبر کمیسیون بودجه راجع به بودجه سنه ۱۳۰۶ ملکتی	۳



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۵ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲ جادی الثاني ۱۳۴۶

جلسه ۱۷۲

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان: حاج علی اکبر امین - اعتبار - مرضی
 قلیخان بیات - امام جمعه شیراز - دهستانی - میرزا
 محمد تقی طباطبائی - دشتی

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر ریاست
 آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس بوم پنجشنبه دوم آبان
 را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: شبروانی - اسدی - حاج میرزا حبیب الله امین اعظمی - نظام مافی - آقا علی زارع - قوام - ابو بخت افسر - فرهمند - حاج حسن آقا ملک - جوانشیر - میرزا حسنخان وثوق - حاج غلامحسین ملک

دبر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: عراقی - روحی - شریعت زاده - مهدوی محمود رضا - دیوان بیگی - بجی خان زنگنه - تقی زاده آیه الله زاده اصفهانی

دبر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: سهرابخان ساکینیان - امیر حسین خان جمشیدی مازندرانی - دولتشاهی - دادگر - پالیزی - عباس میرزا - غلامحسین میرزا - مسعود - حاج شیخ بیات - محمدولی میرزا - زعیم - امیر اسدالله خان - افخمی

رئیس - آقای زنگنه

زنگنه - بنده را غائب بی اجازه نوشته بودند در صورتیکه کسب اجازه کرده بودم و بعد هم بمجلس حضور بهم رسانیده و غائب نبودم

رئیس - تحقیق میشود بعد اصلاح میشود - صورت مجلس ایرادی دارد یا نه ؟
(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد خبر کمیسیون عریض قرائت میشود
(بشرح آن خوانده شد)

آقای شبروانی نماینده محترم بواسطه کسالت دماغی تقاضای چهل روز مرخصی نموده و بر طبق تقاضای خود تصدیق دکتر معالج خود را بکمیسیون فرستاده است و برای معالجه مجبور بمسافرت به اروپا شده کمیسیون عریض چهل روز مرخصی نماینده محترم را از روز حرکت ایشان که سه شنبه ۹ آبان است تصویب و خبر آن را تقدیم می نماید.

ایشان دارند و صرفه جوئی هم در همه جا مورد ندارد بنا بر این البته مجلس شورای ملی و مخصوصاً نماینده محترم هم این حق را تصویب میفرمایند

رئیس - رأی گرفته میشود بمرخصی چهل روزه آقای شبروانی آقایان موافقین قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . خبر دیگر

(بشرح ذیل قرائت شد)

آقای بجی خان زنگنه نماینده محترم تقاضای یکماه مرخصی برای مسافرتی که میخواهند بنمایند نموده کمیسیون عریض و مرخصی یکماه مرخصی نماینده محترم را تصویب و تاریخ آن را از روز حرکت نماینده محترم محسوب مینماید .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده میدانم که این عریض بنده اثر ندارد همینقدر عرض کنم که در شرع اسلام این ترتیبات جایز نیست البته آقایان ملتفت این نکته هستند ولی برای اینکه شاید بعضی از آقایان ملتفت نباشند عرض میکنم که قانون اسلام اجازه اینطور بذل و بخشش ها را نداده است . حالا خودتان می دانید .

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - آقای فیروز آبادی منطق غربی بیان فرمودند مطابق قانون اسلام عاملینی که حق ارتزاق از خزانه و بیت المال ملت دارند يك وقت مریض شدند میتوانند . . .

مدرس - چکار دارید یاسلام

یاسائی - بالاخره این مذاکرات در مجلس مقنضی نیست همینطور که يك مستخدمی در مدت یکسال حق یکماه مرخصی دارد يك نماینده هم در مدت دو سال حق یکماه یا دو ماه مرخصی دارد

رئیس - رای گرفته میشود بمرخصی آقای زنگنه آقایان

که موافقند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . راجع باعتراضی که نسبت به بعضی کمیسیونها موجود بود چون بنا بود که در جلسه خصوصی مذاکره شود عجله بنده گمان میکنم که آن کمیسیونهایی که درش اختلاف نیست ممکن است تشکیل شود مثل خارجه که بازده نفرو داخله هم که ده نفر منتخب شده اند فوائدعامه و معارف و مالیه هم که انتخاب شده اند کمیسیونها تشکیل شود که اگر لواجی هست به آنجا مراجعه شود که بلا تکلیف نماید راجع به سایر اشخاص در کمیسیونها امروز ممکن است موقع تنفس در جلسه خصوصی قرار داده شود دستور بودجه مملکتی است . مذاکرات هم راجع بکلیات است . آقای فرمند

فرمند - در بودجه مملکتی باید کلیه نظریات که وکیل دارد مخصوصاً راجع بوزارت مالیه و عملیات او در بودجه بعرض برساند آقای وزیر هم تشریف ندارند که بعرض ایشان برسد . عرض میکنم بودجه که ما از زقیات قرن بیستم این لغت را گرفته ایم و زبان فرانسه است این لغت يك معنای بخصوصی دارد در اروپا در کتابهای مالی و غیره مینویسد بودجه یعنی يك محاسبه خیلی دقیقی در عایدات و مخارج مملکتی البته آنجا ها بوجه شان خیلی مفصل است و يك کتاب بزرگی است که واقعاً قابل مطالعه است این معنای بودجه است بودجه را هم از سه نقطه نظر مطالعه میکنند اول از نقطه نظر نا کتیک یعنی محاسبات دوم از نقطه نظر قانون یا حقوقی سوم از نقطه نظر اقتصادی با موازین علم مالیه اینجا از نقطه نظر محاسباتی اگر این بودجه را بتکریم می بینم فن محاسباتش هیچ ملحوظ نشده برای این که خرج ودخلش را در یکجا معین نکرده اند یعنی دخل را معین کرده اند و خرج را موکول به بعد کرده اند این را هیچ نمیشود گفت که جنبه محاسباتی دارد . چون خرج را به بعد موکول نموده خوب ما بچه باید رأی بدهیم

اگر بودجه بخواهیم رای بدهیم که بودجه جمع و خرج هر دو باید با هم باشد پس از نقطه نظر فن حسابانی این حالت رقت آور را بودجه ما دارد که هیچ معلوم نیست خرجش چیست، ما ممکن است امروز بدخلش رای بدهیم و فردا آن خرج بهیچوجه موازنه با آن دخل نداشته باشد پس امروز برای هر وکیلی مشکل است که باین بودجه رای بدهد از نقطه نظر قانونی یا حقوقی وقتی که مطالعه کنیم می بینیم که این مجلس ششم است و سه دوره هم هست که عقب سر هم مفتوح بوده میبایستی اغلب مالیاتها، مجلس شورای ملی بیاید و قانونی بشود ما می بینیم چند فقره از مالیاتهای مهمی که در دست ما داده اند صورت قانونی ندارد و باین واسطه يك نقص زرگی از نقطه نظر حقوقی در این بودجه هست. می رویم در قسمت اقتصادی یا موازن مالی بنده مکرر عرض کرده ام باز هم تکرار میکنم این بودجه که امروز بدست ما داده اند که تقریباً پنجاه و يك کرور تومان دخلش است. این پنجاه و يك کرور تومان پولی که ما از مملکت میگیریم و باید بقدر همین پنجاه و يك کرور بطریق ممکن استفاده باین مملکت بدهیم و دولت و مجلس باید طوری این بودجه را تدوین کنند که مطابق همین میزان پولی که ملت میدهد استفاده ببرد بد بختانه ما می بینیم که آن استفاده که باید مردم به برند نمیراند بلکه در بعضی مواقع باعث عدم رضایت مردم میشوند پس بودجه باید روی این اصل در کمیسیون بودجه و هیئت وزراء تنظیم شود و در اینجا اگر معایبی از این نقطه نظرها دارد رفع کنیم بد بختانه این بودجه همه اش عیب است. ما می بینیم بهیچ نوعی این بودجه آن استفاده هائی که باید مردم بدهد نمیدهد در قسمت اینکه این بودجه باید طوری تدوین شده باشد که از نظر اقتصادی یعنی از نقطه نظر آن مالیات که دولت از مردم میگیرد طوری باشد که سرمایه اصلی ملت صدمه نزنند این را مکرر عرض کرده

ام ما بحال سالی پنجاه شصت هفتاد کرور توفیر صادرات و وارداتمان است. سالی پنجاه کرور تومان از این مملکت پول میگیریم و تقریباً شانزده هفتاد کرور هم برای راه های شوسه و راه آهن از مردم میگیریم که قریب به هفتاد کرور میشود این را بایستی هیئت وزراء و مجلس شورای ملی در نظر بگیرند که با این هفتاد کرور مالیات که از این مملکت گرفته میشود در آتیه چه وضعیتی پیدا میکنند و این مالیات را که ما امروز میگیریم پنجسال دیگر هم میتوانیم بگیریم یا خیر؟ برای اینکه وقتی بنا شد هی پول مملکت برود یعنی دولت هم که جنس نمیگیرد که بمصرف برساند پس وقتی که هی پول از مردم گرفته شد آنوقت تا پنجسال دیگر چطور میتوانند این هفتاد کرور تومان را از این ملت اخذ کنند دولت باید در نظر بگیرد با اینکه سرمایه ملی که الان روز بروز دارد کم میشود پنجسال دیگر میتواند این هفتاد کرور را بدهد یا خیر؟ بنده شخصاً عقیده ام این است که توفیر گراف صادرات را که ملاحظه میفرمایند این يك وضعیت خطرناکی برای بودجه سنوات آتیه ما تولید میکند و این يك مسئله ایست که همیشه سائسین ما باید پیش بینی کنند و الا با این وضعیاتی که ملاحظه میفرمائید بالاخره ما در يك محظوری واقع میشویم که باید ده ملیون پانزده ملیون پانزده ملیون از بودجه مان کسر کنیم آنوقت چطور میشود که از يك اشخاصی که آورده اند و پشت يك میزهایی نشاندند کسر کرد که در نتیجه يك انقلاب هم تولید شود بنده عقیده ام این است که باید يك نظر اساسی دولت و مجلس در این خصوص اعمال بکنند که آیا ما میتوانیم پنجسال دیگر این هفتاد کرور را بگیریم یا خیر؟ و اگر مطالعه کردند و دیدند نمیشود این پول را از مردم گرفت آنوقت چه خواهد شد اگر ممکن است از حالا فکر پنجسال دیگر چهار سال دیگر را بکنید. يك اصل دیگری که بعقیده بنده در بودجه ما باید منظور شود این است که وزارت

مالیه و کمیسیون بودجه باید تناسب خرج بعضی مالیاتها را در نظر بگیرند مثلاً اگر يك مالیات صدی هشتاد خرج برمی دارد این مالیات را بگیرند بر این قبیل مالیاتها در ممالک راقیه يك مالیاتهای بدی میداند و همچو مالیات را الغاء میکنند و يك مالیات دیگری را که مخارجش خیلی سبکتر باشد پیدا میکنند امروزه در وزارت مالیه يك مالیاتهای وصول میشود که خرجهای فوق العاده از قبیل صدی پنجاه و صدی شصت دارد و این مالیات ها غالباً مالیاتهای جنسی است که در مملکت ما صدی پنجاه و صدی شصت بلکه زیاد تر خرج بر میدارد تا وصول شود و بالاخره بر زحمت زین مالیاتها هم در ایران همین مالیات جنسی است که زحمات زیادی هم برای مأمورین و هم برای مؤدیان ایجاد میکند بنا بر این کلیه مالیاتهای مستقیم ما همین حال را دارد و یکی هم تجدید زيک است که مخارجش نسبتاً بیشتر است بعقیده بنده مجلس شورای ملی و دولت باید يك فکری بکنند و این مالیاتها را يك طوری تغییر و تبدیل بدهند که این مخارج گراف را نداشته باشند و دیگر اینکه زحمتش برای مالیات دهندگان کمتر باشد و مطلب دیگری که میخواستم بعرض آقایان رسانم این است که وقتی که در هیئت وزراء با در کمیسیون مشغول تنظیم بودجه میشوند باید احتیاجات مملکتی را از نقطه نظر الامم فالام در نظر بگیرند و روی آن بودجه مملکتی را تنظیم کنند مثل اینکه فرض فرمائید دولت آلمان به بحریه و به قشونش خیلی اهمیت میدهد اول بودجه وزارت جنگ و بحریه اش را مینویسد مثل اینکه ما خودمان در چند سال پیش بودجه وزارت جنگمان را اهمیت میدادیم و رقم بزرگ بود ما بود ولی حالا در این بودجه وقتی که ملاحظه میفرمائید می بینید که يك معایب اساسی هست مثلاً بعقیده بنده ما اگر بخواهیم زرقی کنیم باید رقم معارفی ما در بودجه بیشتر از این باشد. متأسفانه حالا يك رقم خیلی کوچکی است در بودجه ما و مخصوصاً خصوصاًش خیلی بد تنظیم

شده است. مثلاً ما می بینیم معلم در مملکت ما هشت تومان ده تومان الی بیست تومان حقوق دارد. معلمی که باید جوانان آتیه ما را تربیت کند و قوه معنوی این مملکت در دست همین آقای معلم است این معلم ماهی دوازده تومان حقوق دارد در صورتیکه در وزارت خانه های دیگر چهل تومان و پنجاه تومان و شصت حقوق میگیرند و حداقلی که میگویند کم است و اول اشل است سی و دو تومان است اما حقوق معلمین اینطور است و هیچ توجهی هم نمیشود بالاخره هیئت وزراء و مجلس بایستی از نقطه نظر الامم فالام بودجه را تنظیم کنند معلمی که در هر مملکت زرقی اول درجه اهمیت را دارد این معلم در اینجا دوازده تومان حقوق میگیرد و این برای این است که بودجه از نقطه نظر الامم فالام تنظیم نشده است و بطور پیش آمد تنظیم شده و این خیلی اسباب تأسف است بنده يك مثلی میزنم برای آقایان از نقطه نظر اهمیت معلم در ممالک متوسطه اروپا يك معلمی که حضرت والا شاید خوب اسمش را بدانند مسیو فنس کریت این شخص در کلاس آخر مدرسه متوسطه پاریس هفتاد دو دفته و هر دفعه دو ساعت درس میداد و این شخص در ماه هزار فرانک حقوق میگرفت که دو بیست تومان و چیزی بالا تر میشود که تقریباً در ماه شانزده ساعت درس می داد آنجا هم سالی نه ماه مدارس کار میکنند اگر حساب کنید می بینید در سال دو هزار و چهار صد تومان این شخص پول میگرفت و تقریباً صد و چند ساعت درس میداد ساعتی بیست تومان میگرفت و آن وقت این شخص معلم مدرسه متوسطه بود و ما حساب کردیم که این شخص عایداتش در سال از راه معلمی پانزده هزار تومان بود در ضمن کتاب هم چاپ میکرد بالاخره معلم در فرانکستان در سال بیست هزار تومان عایدی دارد اما این جا يك معلم متوسطه در ماه بیست و پنج تومان میدهند. البته تصدیق میفرمائید که مملکت ما از نقطه نظر علمی به این شکلی که الان وزارتخانه

ما حقوق میدهد زقی نخواهد کرد زیرا علم وقتی زقی میکند که مشتری داشته باشد در این هیچ شک نیست وقتی که بنده می بینم به معلمین بازده تومان حقوق میدهند و اشل درجه يك وزارتخانه سی و دو تومان است و فقط يك مختصری سواد فارسی لازم دارد قطعاً او را ترجیح میدهم و اگر بودجه معارف ما اینطور باشد قطعاً علم زقی نخواهد کرد و البته باید هیئت وزراء و مجلس شورای ملی به این موضوع اهمیت بدهند که برای آتیه ما اهمیت دارد اغلب در مهالك اروپا وقتی بودجه را مطالعه میکنید می بینید آرزوهای ملی و مرام ملی روحت در بودجه مملکتی است مثلاً آلمان زقی نظامیش را می خواست ارقام خیلی هنگفتی در بودجه مملکتش دیده می شد امروزه در مملکت ما آرزوی عمومی چنانچه در این یکساله مشاهده شده اصلاح وضعیت اقتصادی است. اعلیحضرت در نطق افتتاحیه شتاب فرمودند و دولت هم برگرامش را آورد مواد برجسته آن اصلاح وضعیت اقتصادی بود و مجلس شورای ملی هم همیشه اظهار علاقه مندی نسبت به پیشرفت وضعیت اقتصادی کرده است اما بد بختانه در این مملکت هیچ عملی در اینخصوص نشده است و فقط در بودجه ما يك رقم دو رقم می بینیم که یکی راجع بمسئله راه آهن است و دیگری راجع به ذوب آهن. این دو قلم ما نشان میدهد که دولت در صدد اصلاح اقتصادیات است اما این دو رقم يك دو رقمی است که يك فرجه فوق العاده میخواهد یعنی برای هفت سال هشت سال دیگر ممکن است که کارخانه ذوب و راه آهن يك استفاده بما بدهد ولی در این بودجه هیچ اصلاح فوری دیده نمیشود و بایستی ما در این بودجه يك ارقامی که برای اصلاحات فوری وضعیت امروزه باشد به بینیم نه برای چهار سال پنج سال دیگر. برای امروزه بنده زقی نمی بینم که يك امید و نویدی بمن بدهد که دولت در صدد اصلاح وضعیت خراب اقتصادی امروزه است و این خیلی اسباب

است که دولت يك مزارع سر مشق در ولایات و يك مدارس علمی هم در ایالات تشکیل بدهد که بلکه انشاء الله يك نهضت فلاحی جدیدی در ایران بشود

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- مذاکران که نماینده محترم راجع ببودجه مملکتی دادند غالباً طرف توجه است و نمایندگان محترم هم متذکر هستند و همینطور اعضاء کمیسیون بودجه و دولت هم متذکرند و حتی المقدور سعی کرده اند که این نظریات عملی بشود. ولی مقدمه از نقطه نظر توضیح ناگزیرم عرض کنم که در سنه گذشته چهار ماه با آخر سال مانده پیشنهاد شد که ما یکمرتبه به چهار دوازدهم رأی بدهیم که فرصت پیدا کنیم بودجه های ۱۳۰۶ را بطور تفصیل رسیدگی کنیم و مجلس هم نظر خودش را بطور تفصیل بگوید و اعمال کند. متأسفانه کمیسیون بودجه موفق نشد به اینکه زودتر این بودجه تفصیلی را حاضر و تقدیم مجلس بکند که سریعتر مطرح و گذشته باشد. چرا موفق نشد؟ برای اینکه باصطلاح اصولیین وضع این بودجه ها وضع تخصصی است تخصیصی نیست. یعنی خود بخود درست شده و روی يك مطالعه و دقتی ننشسته اند که يك وجوهی را اختصاص بدهند بيك مصرف معینی. تشکیلانی هم که داده شده و دوائری هم که ایجاد شده غالباً همینطور است باین جهت وقتی که بدقت به بودجه های وزارتخانهها نگاه میکنید می بینید که از نقطه نظر تشکیلات از نقطه نظر موازنه اعتبار وزارتخانهها و حقوق مستخدمین هیچ با هم طرف تشابه نیست من جمله مستخدمین وزارت پست و تلگراف که دارای حقوق خیلی کمی بودند و معتاد هم بودند وقتی که قانون استخدام مجری شده است و خواسته اند ماده (۶۶) قانون مزبور را اجرا کنند حقوق مستخدمین را در نظر گرفته اند و برای آنها در حدود آن حقوق رتبی معین کرده اند لهذا مستخدمین وزارت پست و تلگراف دارای رتبه دانیه شده اند ولی مستخدمین

وزارت مالیه و سایر وزارتخانهها دارای رتبه های عالی هستند الان که ما بدقت وارد بودجه پست شده ایم می بینیم که مستخدم تلگراف چهل و پنج سال خدمت دارد نازده حقوقش چهل تومان است. اگر کسی وضعیت پستخانه مرکزی مراجعه کند می بیند محل و جای مناسبی ندارد. يك ميز وسط گذارده اند و چهل نفر در آنجا نشسته اند همه مسلول و ناخوش در هوای بد. در صورتیکه کار این مستخدمین بیش از همه است، همینطور وقتی که ما بدقت وارد میشویم در بودجه وزارت معارف می بینیم همین وضعیت در آنجا هم هست و همینطور که آقای فرمند تذکر دادند حقوق معلمین مخصوصاً در ولایات هشت تومان نه تومان است آنوقت پیشخدمت در وزارتخانهها سی و هفت سی و هشت تومان حقوق دارد و عجب دزاین است که مجلس هم در سنه ۱۳۰۴ این ها را تصویب کرده. این تذکر بنده از باب این بود که این وضعیت در دوره پنجم و ششم ایجاد نشده این وضعیت از دوره چهارم بوده است و البته مجلس دوره چهارم هم که در بادی اسرا اعمال نظر در بودجه مملکتی میکرده است شاید موفق نشده است که اصلاحات بیشتری بکند و این بودجه ها که بنظر غیر عادلانه می آید تصویب شده و همان هم مبدأ و ملاک شده است برای بودجه های سنوات بعد منتهی ما حالا سعی و کوشش میکنیم که جرح و تعدیل شود من جمله از چیزهایی که شاید آقایان با آنها می که اطلاع ندارند قبول نکنند و تعجب کنند این است که روز گذشته در کمیسیون بودجه رسیدیم بيك اقلای که نوشته بودند تلگرافچی پیدکان. با پیدکان رسیدیم که این اسم جائی است در اطراف طهران. گفتند خیر يك عده مستخدمین هستند در تلگرافخانه هند و اروپا که بحقوق دولت ایران نوکر آنها هستند و اعتنائی هم بما ندارند. رسیدیم ما قرار داد التزامی داریم؟ گفتند خیر گفتیم چند سال است که این روبه مجرا است. گفتند ده بیست سال است. گفتیم در اینمدت هیچ وزیری پیدا نشد که

بگوید بچه مناسب است که قرار داد التزامی امداریم در تمام خطوط جنوب و شرق و غرب اینها مستخدمین دیگرانند ولی از بودجه مملکت ایران حقوق میگیرند؟

این چیز شریبی است نوکر دیگران هستند و اختیارشان هم دست وزیر پست و تلگراف نیست ولی از بودجه ما حقوق میگیرند ۱۱ و این قضیه از سابق هم مورد توجه نشده است نمایندگان و خود بنده هم متوجه این مسئله نبوده ایم من جمله دولت در ضمن آن اعتبارات کلی که باسم مخارج آورده است در کمیسیون بودجه يك مبلغی باسم مخارج قرائطینه های جنوب معین کرده است پرسیدیم این کسانی که مأمور صحیه هستند نوکر دولت ایرانند؟ گفتند خیر. گفتیم بچه مناسب است ما باید حقوق بدهیم، اینها کی هستند.....

وزیر مالیه - این مال گذشته است مال حالا نیست باسائی - منتهی کمیسیون بودجه رأی نداد و حذف کرد. این قلم در لایحه دولت بود ولی در این راپورت نیست.....

وزیر مالیه - این آقا مال تصفیه حساب گذشته است.

باسائی - من جمله از چیزهایی که در بودجه بود ششصد و پنجاه هزار تومان به اسم قرض ارزاق بود بود. نظر آقایان هست کراراً این جا مذاکره میکردیم که هفت هشت کرور اضافه عایدات است آنوقت بایک عجله و شوقی مصرف هم بایش معین کردیم از قبیل بانک ملی، فلان، فلان بعد معلوم شد که اینها بخورد ارزاق رفته است. حالا آقای وزیر مالیه جدیدی کرده اند و يك انتظامی در تشکیلات ارزاق داده اند و بودجه اش را بکمیسون آورده اند. ولی در هر صورت بکمقدار زیادی بمصرف اداره ارزاق رسیده است که خرج خرید موتور هائی که در اداره حمل و نقل ارزاق بود و حالا منحل کرده اند شده است. راستی راستی اگر ما وکیل و نماینده حقیقی

ملت باشیم باید اقرار کنیم که بکسمت از این مخارج سفیهانه است. اولین وظیفه مهم ما نظارت در خرج و دخل مملکتی است ولی متأسفانه در ادوار گذشته مجلس موفق بانجام این وظیفه نشده است و امیدواریم که در سه چهار ماهه آخر سال مجلس موفق بشود که يك مطالعات دقیقانه بطور تفصیل در این بودجه ها بکند و این اعتراضی که آقای فرمند فرمودند که چرا اقلام خرج بطور کلی معین نشده است این کار را کردیم و راپورت کلی بودجه و مواد قانونی مربوطه بآن را جلوتر دادیم که از یکطرف مجلس وارد شود به آن راپورتی که کمیسیون بودجه تمام کرده و داده است و از طرف دیگر هم ما بتدریج و ترتیب این بودجه های تفصیلی وزارتخانهها را حاضر و تقدیم کنیم که تا آخر سال مجلس موفق شود يك بودجه تفصیلی بتصویب برساند. تا کنون بودجه وزارت جنگ، بودجه دربار، بودجه وزارت خارجه تصویب شده است و راپورت آن هم تقدیم مجلس شده است، بودجه وزارت فوائد عامه هم تمام شده که قریباً راپورت آن داده میشود. بودجه وزارت معارف هم نصف آن تمام شده و بالاخره مامشغولیم و بودجه های وزارتخانهها را بطور تفصیل نگاه و مراجعه میکنیم و تقدیم مجلس میکنیم. این راپورت از این نقطه نظر تقدیم مجلس شد که الان بودجه وزارت امور خارجه تحت طبع است و تقدیم میشود و بطور تفصیل مطرح و مطالعه میفرمائید آن را که تصویب و تمام کردیم آنوقت بودجه وزارت معارف را می آوریم و الا اگر غیر از این میکردیم شما موفق نمیشدید که بطور تفصیل رسیدگی کنید و بطور تفصیل هم از عهده تصویب این بودجه های باین طول و تفصیل بر نمی آمدید مگر اینکه درست تصویب شود. بنده گمان میکنم که اگر این چند ماهی که به آخر سال مانده است مجلس تمام وقت خودش را صرف گذراندن این بودجه ها نکند بمورد است ولی البته بترتیب باید باشد یعنی نباید در يك هفته بودجه وزارت معارف را

مطرح کرد. در يك هفته بودجه وزارت امور خارجه را و در يك هفته هم بودجه وزارت داخله را و بالاخره در همان حین که مجلس بودجه های تقدیمی کمیسیون را تصویب میکند کمیسیون هم سایر بودجه ها را تکمیل و تقدیم مینماید و در نتیجه کمتر هم وقت تضییع و تلف میشود و ممکن است موفق به تحصیل آن منظور بشویم و الا اگر ما صبر کنیم و تمام بودجه های تفصیلی را در کمیسیون مطالعه کنیم و يك مرتبه راپورت بدهیم آنوقت وقتی برای مجلس باقی نماند که بآنها رسیدگی کند. دیگر از جمله ایراداتی که آقای فرمند فرمودند این بود که بعضی از این عوائدی که در ستون عایدات قید شده است صورت قانونی ندارد و ذکر هم نکردند که کدام قلم است. شاید مثلاً از قبیل تجدید و بعضی چیزهای دیگر باشد ما هم تصدیق میکنیم ولی وقتیکه مجلس در سیصد و چهار و سیصد و پنج رأی داده باشد باینکه این عایدات در حدود این مبلغ گرفته شود قانونی است و اشکال قانونی ندارد منتهی يك وضعیتی بود و مجلس هم هر ساله آن وضعیت را تثبیت کرد و قانوناً آن را ادامه داد و البته مجلس بهر صورتی که تصویب کرده صورت قانونی دارد. دیگر فرمودند که ما باید نظری بسلامت ملی داشته باشیم و بالاخره دولت که سالی هفتاد کرور از مردم میگیرد باید فکر کنیم که در سال بعد هم ممکن است این مبلغ را گرفت بمانه و از نقطه نظر دخل و خرج ملت باید يك نظری داشته باشیم و نباید تنها نظرمان بخرج و دخل دولت باشد بلکه نظری هم باید بواردات و صادرات داشته باشیم. این فرمایشات تمام بجای خودش صحیح است ولی بالاخره باید دانست که این هفتاد کروری که دولت از مردم میگیرد مجدداً بمردم بر میگردد و همینطور که شما يك ستون عایداتی دارید در مقابلش هم يك ستون مخارجی دارید که بر میگردد باشخاص و مردم. اما اینکه از سرمایه و ثروت ملی ما سالی چهل پنجاه کرور خارج

میشود و ما بازائی ندارد یعنی صادرات ما کمتر از وارداتمان است. علی ای حال اینطور است یعنی چه شما از مردم بگیریید و در خزانه جمع کنید و باز بر گردانید بمردم و چه دولت یا فلان سرمایه دار و متمول این کار را بکند بالاخره از طریق بودجه عمومی دولتی میشود این وضعیت را اصلاح کرد. بلیه اگر ما بتوانیم تقلیلی در مخارج خود مالت قائل شویم و در وضعیت زندگانیمان يك جرح و تعدیلی بکنیم خیلی خوب است یعنی اگر شما که آقای فرمند هستند توانستید مثل آقای مدرس زانگی کنید این تفاوت پیدا میشود ولی مادامی که من و شما قانع نیستیم فایده ندارد و باید در صد تکثیر عایدات بر آمد. اشخاصی که معتاد شدند به زندگان لوکس، چنانکه بکمرتبه دیگر هم بنده عرض کردم که این زندگان که مأمورین دولت هم به سوغات بولایات هم برده اند باید بالاخره چاره اش را از طرف دیگر کرد. کسیکه معتاد شد باینکه با چراغ الکتریك استضاءه کند دیگر با چراغ موشی نمیتواند زندگان کند. شما که حاضر شدید در این خیابانهای پر گل ولای با اتومبیل حرکت کنید دیگر نمیتوانید حاضر شوید با الاغ حرکت کنید چه رسد باینکه پیاده بروید. پس باید ما از طرق اقتصادی و غیره ذلك در صد تحصیل عایدات بر آئیم و این فکر تقلیل مخارجی که در نظر آقایان هست فایده ندارد. بالاخره دروازه های مملکت ما بروی دنیا باز است چنانکه دروازه های سایر ممالک هم بروی ما باز است و ارتباط اقتصادی و تجاری ما را ملزم میکنند که زندگان کنونی دنیا را قبول کنیم و خواهی نخواهی اینطور شده است پس باید در صد تکثیر عایدات بر آئیم تا زندگی ما از حیث دخل و خرج تشابه پیدا کند با زندگان سایر ممالک دنیا. این جا حقیقه قضیه اساسی مسئله اقتصادیات است و مربوط به دخل و خرج پنجاه کرور عایدات دولت ما نیست. بالاخره شما چه پنجاه کرور و چه صد کرور بگیریید

باز بر میگردد ملت. اگر يك چیزهایی بخارج میرود خود ملت بیشتر بخارج میفرستد تا دولت. اگر يك محاسبه دقیقی بکنید می بینید که این مقارنه های پر از اشیاء لوکس در لاله زار و سایر جاها خریدارش تنها مستخدمین دولت نیستند ملاکین هم هستند، متمولین هم هستند بخارج هم هستند همه طبقات مردم خریدار این اشیاء لوکس هستند پس گناهی از این رهگذر متوجه دولت و بودجه عمومی نیست. موضوع دیگری که آقا مورد تنقید قرار دادند این بود که باید مراعات این نکته بشود که هر مالیاتی که ما وصول میکنیم باید خرج وصول آن متناسب باشد یعنی زیاد نباشد. اینهم يك حرف اساسی است که اگر مالیاتی از ملت بگیریم در نظر داشته باشیم که لاقل صد ده یا صد پانزده بیشتر خرج وصولش نشود بنده معتقدم که در ایران با این تشکیلات و با این قاجاق کاری مردم در برابر دولت ما میتوانیم اجازه بدهیم که تا صد بیست هم خرج وصول مالیاتها بشود ولی اگر صد بیست و پنج شد بنده هم تصدیق میکنم که زیاد است. از آن جمله مالیات نواقل بود که در غالب ولایات صد شصت خرج وصولش بیشتر میشد و این کار لغوی بود. دولت يك تومان میگرفت شش قران خرجش میکرد. در قسمت مالیات جنسی هم که فرمودند خرج وصولش زیاد میشود بنده هم همینطور عرض میکنم و صورت مجلس در موقع گذشتن مالیات ممیزی حاضر است که بنده پیشنهاد کردم مالیات جنسی را حذف کنند زیرا بیشتر ضرر متوجه دولت میشد منتهی وکلای در دستار و بعضی نقاط که غلاتشان زیاد تر از سایر نقاط بود حاضر نشدند و الا این معنی را خود بنده و غالب از نمایندگان آن دوره هم حس کردیم و پیشنهاد کردیم منتهی مجلس موافقت نکرد که مالیات جنسی از بین برود و امیدوارم که ما موفق بشویم مالیات ارضی و مراع و مواشی را همینطور که دولت هم پیشنهاد کرده است اساساً ملغی کنیم و مردم را از کلاویز شدن با محصلین

و تحصیلداران مالیه راحت کنیم والا مادامی که شما قانون مصوب با اسم قانون ممیزی املاک از بان در دست دارید و در آنجا قید کرده اند که مالیات جنسی را از سه خروار بیالا بگیرند جای اعتراض نیست زیرا بالاخره بان قانون مجلس رأی داده است و مادام که این قانون ملغی نشده است ما حق اعتراض و انتقاد نسبت به آن قانون نداریم و این اعتراض هم در این مورد محل ندارد. يك چیزی که بیشتر مورد توجه آقای فرمند بود این بود که ما نظرمان ببودجه عمومی مملکت بیشتر باید از نظر اقتصادیات باشد و در اینمدت کار های اقتصادی برجسته نکرده ایم بنده تصور می کنم قضیه بر عکس است اگر دولت ایران با موافقت مجلس يك اقدامات اساسی در این سنوات. اخیر کرده است بیشتر از نقطه نظر اصلاحات اقتصادی بوده است شما پنج سال پیش اصلاح راه سازی را بلد نبودید یعنی راهی بود ولی الان قسمت مهم راههای اصلی این مملکت شوسه و تسطیح شده است. سالی چهار کرور پول پیدا کردید و تخصیص دادید باین کار و مرتباً هم راهها ساخته میشود و ناچند سال دیگر تمام راهها شوسه میشود. این يك کار مهم اقتصادی است که چند سال پیش اصلاً حرفش نبود. مسئله عایدات قند و شکر و ایجاد خط آهن و کارخانه ذوب آهن و استخراج آهن از معدن اینها مهمترین مسائل اقتصادی این مملکت است و بالاخره در این چند سال ما اقدام و اهتمام کردیم و دولت هم همت و سعی کرد و فعلاً هم در دست اقدام و عمل است و البته شما که خودتان را تحصیل کرده میدانید باید بیشتر بمرور زمان قائل باشید. این اخلاقی که در ما ایرانیان است که اگر يك کاری فردا میسر شد درست است و الا نادرست این را نباید قائل شد. اصلاحات مرور زمان لازم دارد وقت لازم دارد. آن روزیکه شروع میشود هر کاری هر اصلاحی بطور ناقص است و بتدریج روبه تکامل میرود. فرمودند که توجه از طرف دولت بمسئله

فلاحت نشده. اگر نظر مبارك باشد لایحه اضافی وزارت فوائد عامه را که مجلس رد کرد بیشترش راجع بنوسه امور فلاحتی بود. شما رأی دادید مستر هسکل متخصص را برای این کار آوردند و الان هم ماهی ده هزار تومان خرج این آدم است. يك اداره هم در وزارت مالیه تشکیل شده که اداره لغوی است و وجود این آدم هم عاقل و باطل است و هیچ استفاده ازش نمیشود و دولت هم در استشارات مربوط بخالصجات و غیر آن اصلاً به بازیش نمی گوید. خلاصه يك اداره برایش تأسیس شده و حقوق هم میگیرد زیرا کمترانش را مجلس تصویب کرده است و دولت هم حق دارد ولی هیچ فایده ندارد چرا برای اینکه ما را می ندادیم بان اعتبارات و اعتراض هم نباید بدولت کرد زیرا مجلس لایحه اضافی وزارت فوائد عامه را با آن اصراری که آقای رئیس الوزراء پشت این کرسی کردند تصویب نکرد. بنا بر این دیگر بنده و شهاحق نداریم اعتراض کنیم و الا دولت سعی و اقدام خودش را در این قسمت به اندازه که وجوه عمومی اجازه میداد و به آن اندازه که پول داشتیم کرد و يك مسأله را هم از نقطه نظر اقتصادیات و اقدامات عملی و علمی نسبت بامور فلاحتی در نظر گرفت ولی متناسفانه نشد. فعلاً هم در بودجه وزارت فوائد عامه يك اعتباراتی در خواست شده است و کمسیون هم تا اندازه موافقت کرده است و انشاء الله می آید در مجلس و بطور تفصیل مطرح شور واقع می شود و مسئله اصلاح امور فلاحتی هم آنطوریکه ممکن و میسر است اقدام مقتضی خواهد شد. اما يك نکته اساسی را از نقطه نظر بودجه مملکتی ناگزیرم تذکر بدهم و قطع دارم که اغلب آقایان هم متوجه هستند و آن این است که ما يك ملاک و میزانی برای مخارج مملکتی در دست نداریم و همانطور که اول عرض کردم بطور دیمه از روی تخصص يك مخارجی مرتب شده است و می آورند اینجا و ما هم روی نظریات خصوصی رای

میدهم. ولی بودجه مملکتی را ما باید مرتب کنیم که حساب این را قبلاً کرده باشیم که مثلاً صد چند فلان مبلغ پولی که داریم امسال باید خرج فلان مسئله بشود با صد سی و صد چهل خرج قشون صد بیست خرج معارف صد ده خرج صحیه. با صد فلان خرج عدلیه شود و يك تناسبی در نظر بگیریم و بودجه بنویسیم ولی چرا در اینمدت بانجام این امر موفق نشده ایم برای اینکه بعقیده بنده این مسئله کار مجلس تنها نیست کار دولت تنها هم نیست. این مسئله يك شورای دولتی لازم دارد که اینگونه نظریات در آنجا مطرح و اعمال شود که متناسفانه آن را نداریم. حالا که نداریم خود دولت میبایست در يك جلساتی بنشیند و لااقل بودجه سنه ۱۳۰۷ را با يك اصولی تنظیم کند. نظریات مختلف است هم بین وزراء و هم بین وکلای. یکی عقیده اش این است که باید اعتبار قشون را زیاد کرد. یکی عقیده اش این است که باید اعتبار معارف را زیاد کرد. یکی معتقد است باید اعتبار صحیه را زیاد کرد. هرکس يك نظری دارد این نظرها گرفته میشود و بالاخره در يك جائی مستقر میگردد که مثلاً ما باید صد چند عوائد مملکتی را صرف قشون کنیم و صد چندش را خرج صحیه ولی متناسفانه حالا این طور نیست بودجه قشون ما نوزده کرور است. بودجه صحیه دویست هزار تومان بودجه وزارت داخله پنج کرور است. بودجه وزارت معارف دو کرور. خلاصه هیچ تناسبی در اعتبار وزارتخانهها ملحوظ نیست مدرس - مقاطعه است

باسائی - آنوقت می بینید که رئیس صحیه بیچاره با این جذبی که بخارج میدهد میبایست هر روز بیاید بالئاس و عجز و لایه ده هزار تومان پنجهزار تومان از این گوشه و آن گوشه پیدا کند برای مخارج صحیه در حالی که همه ماها موافقیم با صحیه و همه داد میزیم که اوضاع صحی در ولایات بد است، مریضخانه

نیست ، فقرا دارند بمبپرداز ، نفوس این مملکت در کم و کاست است ، باید يك فكر اساسی کرد ، در موقعش کنفرانس میدهم ، حرف میزنیم . در روزنامه هم مقالات نوشته میشود ولی راه عملیش را کم کرده ایم . راه عملیش این است که ما اساساً بنشینیم به بینیم فوائد مملکتی را روی چه ملاک و میزان باید تقسیم کرد . این مملکت بچه چیز احتیاجاتش بیشتر است و باصلاح الاقدم و الاقدم و الاهم فالاهم چیست و چه طور باید این بودجه را تنظیم کرد و الا اینها بودجه هائی است که خود بخود درست شده است بنده عقیده ام این است که مقدم بر تمام مخارجی که ما می کنیم مخارج قشونی است . عقیده شخص بنده این است برای اینکه هرچه قشون ما قوای نظامی مابیشتر شد اهمیت و عظمت ما بیشتر است . ممکن است یکی عقیده اش این باشد عقیده اش معارف یا صحبه مقدم باشد . بنده عقیده ام این است که قشون بر صحبه هم مقدم است ممکن است از گوشه و کنار اعتراضات بشود ولی بالاخره بهتر این است که قضایا را باز کنیم ، احتیاجات مملکت را در نظر بگیریم ، نظریات سیاسی و نظامی و اقتصادی و معارفی را روی هم برریم و توأم کنیم ، آنچه از میانه شور مجلس و دولت بیرون میآید آن می شود بودجه حساب آنوقت ما بدینا میگوئیم ما سالی شصت کرور عایدات داریم ، اینطور صلاح دانستیم که سالی سی کرور را خرج قشون کنیم بقیه اش را هم خرج قوه قضائیه و معارف و سایر مؤسسات بکنیم و مادامی که این روبه اتخاذ نشود خود ماها باید تصدیق کنیم که این بودجه ها اساسی نیست و مذاکراتی که ماها میکنیم چه بعنوان مخالفت و چه بعنوان موافقت اینقدر ها مورد ندارد . این بودجه ها همینهاست که دولت میدهد . بالاخره ما خیلی سعی می کنیم در وزارت پست و تلگراف چرا فلان مستخدمی که سی سال است خدمت میکند حقوقش برنبه ثباتی نرسیده است ، کسی که مشمول

نیست . شاید آقای رئیس هم نظر شان همین باشد که احتمال می دهند لیکن نظر کرده باشند که خوب اگر اشکالی دارد خود مجلس نظر کند و الا این بودجه مملکتی که همیشه بودجه مملکتی باشد نیست و هیچ شباهت بودجه مملکتی جمع و خرجی که ما میتوانیم بجمعش درست رأی بدهیم و بخرجش درست رأی بدهیم بنظر من ندارد . ظاهراً این بودجه که يك کله چهار حرفی یا پنج حرفی است این همان عبارت جمع و خرج قدیم است . سابق يك جمع و خرجی مینوشتند برای مملکت و برای هر ولایت هم يك کتابچه دستور العمل مینوشتند رویش مینوشتند (جمع و خرج) که عایدات را فقره فقره معین می کردند که ما در زمان سابق در ولایت اصفهان خودمان يك چند ناس را دیدیم غالباً جلد هایش هم مخمل بوده رویش نوشته بود (جمع و خرج) هر جمعی و هر عایدی بقلم مخصوص در آنجا نوشته شده بود هر خرجی بخصوصه در آنجا نوشته شده بود اگر از کسی چیزی مطالبه میکردند میگفت کتابچه را ببینیم این قلم نویش هست یا نه ؟ مطالعه میکردند اگر در دستور العمل بود قبول میکردند والا نمیکردند . حالا این بودجه مملکتی هم میخواهند ظاهراً بفرمایند همان است . جمع و خرج یعنی این چیز هائی که از مردم گرفته میشود و این چیز هائی هم که خرج میشود حالا اعماداً بوزر مالیه و اعماداً بمخبر کیمسیون ما آمدیم و گفتیم مذاکرات کافی است و رای دادیم . رای گرفتیم و گذشت ...

مخبر - رای که گرفته نمیشود .
مدرس - پس فایده اش چیست . فایده اینکه ما باین رای بدهیم چه چیز است که پیش از آنکه رای ندادیم آن فایده مترتب نیست و بعد از رای دادن آن فایده مترتب است ؟ و اگر هم فایده ندارد که چرا آورده اند ؟ اگر فایده دارد عقیده من باید فایده بودجه باشد اگر چه من همیشه در مذاکراتم مستقبل بیستم و هر چه هم باقائمان رفقا نصیحت کردم که نکرده است لیکن در اینجا تأیید میکنم فرمایش آقای

باسائلی را که اخیراً فرمودند بودجه مملکت این است که عایدات مملکت را قانون تصویب کرده باشد . مخالفه با اینکه در ضمن بیابند اینجا يك چیزی را داخل کرده باشند که سابق قانون نباشد . باید هر عایدی را دولت لایحه مشتمل بر مقدماتی پیشنهاد مجلس کند و برود بکمیسیونهای قانونی سپر خودش را بکند و بعد بتصویب مجلس برسد تا اینکه مالیات بشود که اینک هر خرجی را هم همینطور باید لایحه اش را ترتیب بدهند و مجلس بیاورند و سپر قانون خودش را بکند نه این که در ضمن يك چیز هائی را در عایدات بکنجاندند و در ضمن يك چیزی را هم در مخارج بکنجاندند که این لایحه خیلی را دارد . حالا کار ندارم مقصودم این کله است که ما باید تمام عایدات مملکت را که قانونی است بدانیم و بعد مخارج وزارتخانه هائی که دولت در نظر گرفته است و پیشنهاد کرده است بسنجیم و آن عایداتمان را بحسب احتیاجات بوزارتخانه ها قسمت بندی کنیم و الا . این مثل این است که من اول زمستان است صد تومان دارم (با سیصد تومان دارم) بقول آقای گویم آدم خوب است ذغال چوب بخرد سیصد تومان را ذغال چوب بخرد آنوقت در روغن و برنج گیر کنم . اما اگر تمام مخارج سال را در نظر آوردم و عایدات را هم در نظر آوردم و الا هم فالاهم را در نظر گرفتم و از روی يك فلسفه و اساسی کار کردم اینطور نمیشود . این عریاضی که من می کنم نسبت بگذشته نیست این عریاض من این است که مذاکره در این خوب است که اسباب بصیرت بشود که بودجه های تفصیلی که از این بعد مینویسند از روی يك اساس و يك فلسفه آن قسمت بندبهارا بکنند و داخل بودجه کنند . و کیف . وارد مسئله بشوم و آن مسئله این است که صحبت هائی که بنده اینجا میدارم امروز بنا بر اصول موضوعه است که مصداق مجادله احسن باشد و آن این است که بر فرض اینکه مملکت ما مشروطه

قانون استخدام باشد لا اقل باید حقوق رتبه يك را بهش داد ما بدولت این را تذکر میدهم سی و دو تومان میکنند ولی این اصلاح بودجه نیست با اینکه مخارج مستخدمین پیدکان یا پیدکان را دیگر رأی نمی دهم می گوئیم ما مستخدمین پست و تلگرافی که نوکر دیگری باشند حقوق از ما بگیرند و ما هم در مقابل آن تعهد و قرار دادی نداشته باشیم نمیخواهیم و دیگر این کار سفیهانه را تکرار نکنیم . معذک این قسمتها اصلاحات اساسی در بودجه مملکت نیست . اصلاحات اساسی آنست که بنده تذکر دادم و استدعا دارم آقایان هم يك مطالعه و دقت بیشتری در این قسمت بکنند که بودجه ۱۳۰۷ از این نقطه نظر تنظیم شود که ما مقایسه کرده و احتیاجات و مقتضیات مملکت را در نظر گرفته بيك تناسبی و روی يك ملاک و میزان مخارج مملکتی را معین کنیم

رئیس - آقای مدرس

مدرس - همیشه خبر هائی که از کمیسیونها تقدم مجلس میشد چونکه البته بدو آقای رئیس آنها را مطالعه میفرمودند من همیشه بنظر تصدیقی بآنها نظر می کردم بجهت این که آقای رئیس را در این گونه امور ابصر از خودم میدانسم و میدانم لهذا اجلاً تصدیق میکردم که اشکال قانونی بقیه ندارد . در هفته گذشته يك لایحه بود در آن جلسه يك اشکالی شد آقای رئیس فرمودند خوب اگر اشکالی دارد مجلس قبول نکند . از این قضیه من استنباط کردم که ممکن است خبری بنظر شان اشکال قانونی داشته باشد ولیکن اظهار نفرمایند فذر هم فی خوضهم بلعبون بجهت اینکه خود شان قبول کردند اضافه خرج بود ولی بنظر مجلس واگذار کردند لذا احتمال میدهم يك را برنی بنظر شان اشکال داشته باشد و ساکت باشند بگویند خود مجلس در اطرافش نگاه میکند . لذا عقیده من این است که راپرت کمیسیون بودجه که داده است بهیچ روبه و هیچ قانونی راپرت بودجه مملکتی

باشد و ما دولت مشروطه باشیم تمام جمع و خرج مفصله باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد. من بر این فرض حرف میزنم. حالا رئیس الوزراء نوی بازار میروند يك وزیر میآورد اینجا معرفی میکند بدون استشاره خارج از موضوع من است. من در این فرض حرف میزنم که ما مشروطه هستیم، تابع قانون اساسی هستیم بودجه های مملکت از يك دینار که از مردم گرفته میشود و يك دینار که خرج میشود باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد بر طبق يك قانونی که قانون اساسی باشد نامشروع بشود. این را هم به آقایان عرض میکنم در این بودجه نسبت بگذشته حرفی ندارم هر چه شده است. تمام مذاکرات برای این است که کمیسیون بودجه و دولت توجه نکنند که این بودجه های تفصیلی که انشاء الله الرحمن نوشته میشود در آیه شاید از روی فلسفه انصاف و قانون باشد که انشاء الله الرحمن خدمتی کرده باشیم و همه این نظر را دارند. عدل چیست؟ انوشیروان عادل یعنی مالیات نمیکرد؟ میگرفت. خرج نمیکرد؟ میکرد. قشون نداشت؟ داشت. جنگ نمیکرد میکرد. عدل آنست که از مورد گرفته شود و مورد خرج شود. از همانهایی که گرفته میشود خرج همانها بشود. این معنی عدل است. از ملت پولی که گرفته میشود بمصارفی برسد که بر نفع آن ملت باشد و هذا معنی العدل: نه معنی عدالت این است که مالیات نگیرد و داد میزند ضعیفه که من يك مرغ دارم يك تخم مرغ از من نگیرید. نه يك تخم مرغ از آن ضعیفه گرفتن ظلم نیست. عدل است در صورتیکه بمصارف همان خرج کنید. صد تا تخم مرغ روی هم بگذارید يك تله بگیرید که شغال نیاید مرغ ضعیفه را ببرد (خنده نمایندگان) این میشود عدل. اثبات شیی هم نمی ماعدا نمیکند مسلم است این بودجه و امثال این بودجه که گذشته بود و بعد هم که میاورید ظلم است. چه ظلمی است؟ آن ظلمی است که الملك لا یبقی مع الظلم. عدل را که عرض کردم معنایش

چیز است از جایش گرفتن بقدر امکان و بمصرف همانها رساندن بقدر امکان و اگر این عمل بشود هرگز باقتصاد مملکت ضرر نمیزند هرگز. الان پنجاه کرور گرفته میشود اگر صد کرور از این مملکت هر ساله گرفته شود و بمصرف خودشان برسد همیشه هم منظم است، هم معمور است، هم اقتصاد محفوظ است. تقیض کل شیئی رفعه ظلم آنست که از جای خودش گرفته نشود ولو بجای خودش خرج بشود یا از جا گرفته شود و بجای خودش خرج نشود این هم ظلم است. این دوتا ظلم در دنیا زیاد است از جای خودش گرفته نمیشود بجای خودش خرج میشود یعنی خرج مردم میشود، از جای خودش گرفته میشود بجای خودش خرج نمیشود این هر دو صورت ظلم است ولیکن بقی الملك. يك ظلم است که لا یبقی الملك و آن این است که گرفته بشود و خرج نشود. باید کمیسیون بودجه که هیجده نفر از نمایندگان همین ملت و عضو همین مجلس هستند در این بودجه که در نظر میآورند (اینکه چند ورق کاغذ است) نظر کنند که از کجا گرفته میشود و کجا خرج میشود اگر خرج شد در بند کم و زیادش نباشند. من با آقای فیروز آبادی در این مسئله چندان موافقت ندارم بنده میگویم البته خرج بشود. گرفته بشود اینها همه خوب است ولیکن در صورت گرفته شود که خرج بشود یعنی باز در میان مردم باشد. این ضرر فاحش بمملکت نمیزند. ولی باید آنچه در نظر آورد این است که آنچه گرفته میشود بجای خودش خرج بشود و من عقیده ام بر این است که سابق بر این خیلی کارهای ما مقاطعه بود باید مقاطعه موقوف بشود. نه از جهت این است که با دولت موافق نیستیم این را عرض میکنم. موافقت و مخالفت ربطی باین موضوع ندارد. با وضعیات موافقم یا مخالفم. مربوط باینجا نیست این حرف را اساساً میگویم. اگر مملکت پولش گرفته بشود و خرج نشود مثل همین پول انحصار قند و شکر که الان تمرکز یافته است و مدتی هست که خرج

نشده است البته ضرر باقتصاد مملکت میزند ولو بمصلحت جمع شده ولی چون خرج نشده است ضرر به اقتصاد مملکت میزند. یکی از وزارت خانهای مهم ما که موافقم با عقیده ایشان که گفتند من وزارت جنگ را مقدم میدانم بجهت اینکه فرمود (تأمین العباد و تعمیر البلاد) اصل ملك داری این است تأمین العباد و تعمیر البلاد این ملك داری است لیکن تأمین العباد بی پول نیست آقا بیول نیست. بخرج کردن پول است نه بیول. اگر شما عوض ده میلیون صد میلیون برای يك وزارتخانه معین کنید فایده اش در خرج کردن پول است بنده میگویم کمیسیون بودجه همین مسئله را که بنده عرض کردم که مهم است و عقلاً و نقلاً و انصافاً بر هر چیزی مقدم است همین رانحت نظر بگیرند که ما بیست کرور که میدهیم باید چقدر قشون داشته باشیم. چهل هزار بسیار خوب حساب می کنیم. صد هزار. حساب می کنیم. قشون اجباری مخارجی دارد؟ حساب میکنیم. قشون بنیچه مخارجی دارد؟ حساب می کنیم به بینیم این پول که می دهیم به مصارف قشون می رسد؟ صد هزار قشون داریم در مقابل ده میلیون مخارج پنجاه هزار قشون داریم؟ ...

آقا سید یعقوب - بودجه اش مرتب است

مدرس - بنده بودجه اش مرتب است مرکزیت مخارج است باید حساب کنند کمیسیون بودجه که ما این ده میلیون که میدهیم مقابلش چهل هزار قشون داریم صد هزار قشون اجباری داریم؟ ده میلیون مخارج صد هزار قشون اجباری است. مخارج چهل هزار قشون بنیچه است ... بعضی از نمایندگان - اینطور نیست.

(همه - صدای زنگ رئیس)

مدرس - حساب است بنده از گذشته حرف نمیزنم میگویم کمیسیون بودجه اینها را بدقت در نحت نظر بیاورد و بیاورد ما در مجلس رأی بدیم. اختصاص باین ندارد. وزارتخانه های دیگر را جزء بجزء در نحت نظر

بیاورند و بیاورند اینجا ما ها رأی بدیم ولی من موافق نیستم که با يك اجالیاتی که محتاج بيك قوانینی است؟ مثلاً چند فقره دارد بيك متعلق بقانون استخدام. در آخرش در ماده ۲۱ يك چیزهایی. داشته اند نوشته اند که اصلش قانون استخدام را ملغی میکند این لایحه باید مفصلاً درش مذاکره شود نه اینکه در ضمن این بودجه بیابند يك همچو تصرفاتی بکنند. خیلی فقرات در این لایحه هست و این فقرات قانون میخواهد. باید لایحه اش را بمجلس آورد. مجلس بکمیسیونها بفرستد، رأی بدهند. بنده فایده این بعقیده من این است که از اینجا که رفت يك ده بیست کرور خرج کنند و الا ما نفهمیده ایم از روی بصیرت که جمعش چیست، خرجش چیست.

وزیر مالیه - فرمایشات نماینده محترم بعقیده بنده منقسم بدو قسمت باید بشود. یکی مربوط باصل روبه است که خودشان اظهار فرمودند بر روی اصول موضوعه حرف میزنند و این اصول موضوعه يك اصول عملی است که ما که قوه مجریه هستیم بهش رفتار میکنیم. در این قسمت بعقیده بنده مطلب خیلی روشن است و هیچ قابل اختلاف نظر بین خود ایشان با بنده یا نمایندگان محترم دیگر نیست. اینکه فرمودند که بابستی جمع و خرج بتصویب مجلس برسد بنده میخواهم به بینم که اگر باین ترتیب عمل نمیشد آیا هیچ موردی برای ایشان که این لایحه را موضوع قرار بدهند و این کمیسیون بودجه و مجلس شورای ملی روی این فکر و روی این عقیده کار میکنند که باید جمع و خرج مملکت بتصویب مجلس برسد. در این قسمت اول يك کلیاتی را هم در ضمن اشعار فرمودند راجع بعوائد که تعبیر می فرمودند باینکه صحیح باید گرفته شود و از جای خودش باید گرفته شود و قسمت مخارج که میفرمودند بایستی بجای خودش خرج بشود. اصل جمع و خرج و تقاضای تصویب از مجلس شورای ملی برای همین است

که مجلس شورای ملی هم تصدیق بکنند یا رد بکنند که فلان قلم جمع بجای خودش گرفته نمیشود یا فلان قلم خرج بجای خودش نیست. لازمهٔ يك جمع و خرجی و تصویب يك جمع و خرجی همین هست و تقدیم کردن لواج بودجهٔ مجلس و فرستادن مجلس آن لواج را به کمیسیون که مأمور این کار است، و رسیدگی آن کمیسیون و تقدیم آن راپرت بمجلس بالاخره برای رسیدن بهمین نتیجه است که ایشان در ضمن آن کلیات که اظهار میفرمودند خود آن کلیات را ناقص عملی که شده قرار میدادند. تعمیران که از عدل و ظلم فرمودند البته از حقایق مسلمه و از بدیهیات مطلقه و اولیه است که همیشه همانطور که عرض کردم هر وقت ایشان اظهار میفرمایند البته همه تصدیق خواهند کرد ولی مورد این که تطبیق بشود و معلوم شود که آیا این حقایق و این اصول مراعات میشود یا نمیشود و اگر مراعات نمیشود چه باید کرد که مراعات بشود بحث در موضوعات و تطبیق کردن این کلیات است با این مصادیق و این مصادیق هم همین لایحه بودجه است و بودجه هائی که ضمیمه باین لایحه است چه آنهایی که فرستاده شده است بکمیسیون بودجه و چه آنهایی که فرستاده خواهد شد. پس بنده تصور میکنم در این قسمت کلی و اظهارات که فرمودند اصلاً مطلبی نیست که قابل مفاہرت یا رد و تکذیب باشد برای هیچکس. مسلم است. در ضمن همین کلیات اظهار فرمودند که باید جمع بر طبق قوانین باشد البته این مسلم است که عوائدی که گرفته میشود بر طبق قوانین گرفته میشود حالا اگر در جمعی که دولت بمجلس تقدیم میکند يك قلمی هست که در آن قلم آقا تصور میکنند که قانونی برای اخذ این قلم جمع نیست خوب این را باید وقتیکه بان قلم میرسیم بحث کرد آنگاه اگر دولتی که این قلم را جزء عواید نوشته دلائلی داشته است از برای اینکه میبایستی جزو عواید نوشته شود و کمیسیون بودجه که بعد از مطالعه و بحث در مرحلهٔ اول

است. این را يك قدری تشریح کنم برای اینکه این عقیده در يك قسمتی از آقایان هست. این کلیاتی که اظهار میشود همه بجای خودش صحیح است. يك سوء تفاهمی تولید نشود راه اینكه بشود يك لایحه بودجه را در مجلس تصویب کرد چه چیز است. گذشته از اینکه يك اصولی، يك مقرراتی برای اینسکار هست، يك قوانینی هست، قانون محاسبات عمومی در مجلس وضع شده که نمیدانم آقای مدرس یا ایشان هست و اخیراً مراجعه فرموده اند یا فرموده اند؟ علاوه بر آن يك نظامنامه در مجلس هست يك کمیسیونهایی بر طبق آن نظامنامه افتتاح میشود. بعلاوه خود آقای مدرس (از این اصول و مقررات گذشته) از نقطه نظر جنبهٔ عملی خاطر میآید که ما هم هر دو در کمیسیونهای مختلف بودجه شریک بودیم. آنجا با هم کار کردیم و همین شکلی که حالا عمل میشود آنوقت هم عمل شده. ما خودمان هم آنها را تصدیق کردیم. من خودم مخبر کمیسیون بودم. دفاع ازش کردم. آقا آنروز خوشبختانه برای دولت وقت از موافقین بودند. بقیه چاک کردند. بالاخره همین ترتیب اصول و مقررات بود و بنده آن اصل و مقرراتش را توضیح میدهم. در ادوار سابق هم همینطور عمل شده است. دولت مطابق قانون میبایستی جمع مملکت را تعیین کند و همینطور خرج مملکت را هم مطابق قانون تعیین کند. آن اقلام جمع را با بودجه های جزو جمع باید به مجلس بفرستد در تعیین جمع مملکت البته ملاحظه قانون اساسی میشود و البته این اصل که در قانون اساسی مصرح است که: هیچ مالیاتی گرفته نمیشود مگر بموجب قانون. باید مراعات شود و دولت جمع مملکت را از روی عمل تعیین میکند و میفرستد به مجلس و مجلس هم البته باید نظر داشته باشد و تفتیش کند. و این یکی از مسائل مسلم و اجباری و الزامی است که همیشه جمع يك سالی را که میخواهند تعیین کنند باید قبل از آنسال باشد چون مطابق قانون قبل از هر سال بودجه آن سال باید بیاید بمجلس و تصویب شود

میشود. این عملی است که از وقتی که ما بادمان است همیشه دولت‌های ما عمل میکردند و بر روی این اصل و زمینه بودجه جمع و خرج را تهیه میکردند - در قسمت اینکه اشاره شد که بعضی از این اقلام با قانون تطبیق نمیکند در این جا بنده که امضا کننده این بودجه هستم مجبورم عرض کنم که این عقیده را ندارم (ممکن است بنده خطا هم کرده باشم و همینطور دیگرهم که یا من در این نظر موافق است ممکن است او هم خطا کرده باشد، ممکن است کمیسیون بودجه هم که باین بودجه رأی داده است او هم خطا کرده باشد و انشاء الله آقا ما را از اشتباه بیرون خواهند آورد.) ولی نظر ما که امضا کننده این بودجه هستیم این است که این اقلام جمع را يك اقلام صحیحی دانسته ایم و بنده خودمرا مجاز دانستم که این اقلام را جزو اقلام جمع مملکتی بدانم - البته وقتی که داخل این اقلام شدیم و در یکی یکی خواستیم بحث کنیم در هر يك از اقلام که اختلاف نظری هست آقا دلائل خودشان را میفرمایند ما هم دلائل خودمان را ذکر میکنیم. خوب. خرج چطور تهیه میشود؟ اینطور که قبل از سال وزارت مالیه میزان اعتباری را که برای سال بعد فرض میکنند و مملکت بان محتاج است در نظر بگیرد و تعیین کند و بوزراء دیگر اطلاع بدهد. چنانچه خود بنده در دو ماه قبل راجع به بودجه ۳۰۷ همین کار را کردم یعنی يك مراسله رسمی بر رئیس الوزراء نوشتم و سوادش را بنام وزارتخانه فرستادم که برای ۳۰۷ وزارت مالیه تصور میکنند فلان مبلغ اعتباری برای خرج لازم دارد و تقاضا کردم که ادارات مختلف و وزارت‌ها آنها مطابق مصلحت و برطبق احتیاجات عمومی و مملکتی و از لحاظ الامم فالاهم و در حدود عوائدی که پیش بینی میشود بودجه خودشان را تنظیم کنند. و بفرستند به وزارت مالیه برای اینکه مطابق قانون محاسبات این بودجه ها در وزارت مالیه تحقیق و رسیدگی شود و پس از تصدیق

خورده گرفت که مثلاً چرا فلان وزارت خانه چهار ماه قبل مخارج خودش را فلان طور پیش بینی کرده بود بعد مصادف شد با يك وضعیتی که مجبور شد بودجه خودش را پس بگیرد و در آن يك مطالعاتی بکند و مثلاً تطبیق کند با يك اضافاتی که قبلاً نتوانسته بود آنرا پیش بینی کند و از این جهت يك تأخیری در کار شده این يك چیزی است که بنده بطور گذارش عرض میکنم و اگر در کلیه امور مملکت دقت بفرمائید می بینید که اغلب اوقات ما مواجه با این مسائل هستیم و بنا بر این ترتیبات را با نظر مساعدت باید تلقی کرد باید موافقت کرد تا بآن نتیجه اصلی که عبارت از آن کمالی است که میخواهیم برسیم موفق شویم. پس بنده بر میگردم باصل مطلب. بودجه ۳۰۶ باین ترتیبی که عرض کردم مطابق قوانین جاریه مملکتی مخصوصاً بر طبق قوانین محاسبات عمومی تدوین و به مجلس تقدیم شده است. و مطابق اصول موضوعه در آن مطالعه شده است. حالا باید دید در کمیسیون بودجه که دولت مرحله اولی خودش را در آنجا میگذراند چه اقداماتی شده و آیا با آن ترتیباتی که لازم است عمل کرده یا خیر؟ بنده عرض میکنم بلی مطابق ترتیبات لازمه و جاریه عمل شده کمیسیون بودجه که در واقع مرحله ابتدائی است در تمام جلسات انعقاد خودش اهتمامات لازمه را کرده و بنده یقین دارم اگر آقای مدرس در آنجا تشریف میداشتند و حالت دولت و وزراء را در چنگال آقای آقا سید یعقوب و سایر آقایان اعضای کمیسیون بودجه ملاحظه میفرمودند و یاد میآوردند آن اوقاتی که بنده و ایشان عضو کمیسیون بودیم و چقدر با ملاحظه و نرمی یا دولت وقت در قضایا موافقت میکردیم آنوقت تصدیق میفرمودند که وضعیت هیچ قابل مقایسه با هم نیست. در تمام مسائل در کمیسیون بحث شده و موافقت نظر حاصل شده و سوکمیسیون ها معین کرده اند و به تمام اقلام جمع و خرج

رسیدگی کرده اند و سوکمیسیون ها يك ماه دو ماه سه ماه چهار ماه تمام رسیدگی کرده اند، فکر کرده اند خوب بالاخره تمام این کار هائیکه ما میکنیم برای چیست؟ مگر برای این نیست که تمام این بودجه ها از تصویب مجلس بگذرد؟ ما خودمان نشستیم و حساب کردیم دیدیم اگر نخواهیم به این ترتیب پیش برویم یعنی این طور که در کمیسیون بودجه سر بسر ما میگذارند و در هر قلم مدنها بحث میکنند شاید دو ماه سه ماه دیگر طول داشته باشد تا بتوانیم تمام بودجه های تفصیلی را جزء جزء از تصویب بگذرانیم. و اگر میخواستیم پس از تصویب کمیسیون بودجه ها را به مجلس بیاوریم قلم بقلم در آنها بحث کنیم و با تمام کیفیات ملاحظه کنیم شاید فرصت نبود ولی يك راه حلی در نظر گرفتیم و آن این بود که ما لایحه کل جمع را تهیه کردیم بودجه جمع همین است که ملاحظه میفرمایند. بین دولت و کمیسیون بودجه در بودجه جمع هیچ اختلافی نیست در همه جای دنیا هم مرسوم این است که هر وقت میخواهند در بودجه مطالعه کنند اول بودجه جمع را باید به بینند و تا این قسمت معین نشود بصورت خرج نمی توان رسیدگی کرد در این قسمت بین دولت و کمیسیون بودجه مسئله حل شده و هیچ اختلاف نظری نیست و توافق نظر دارند. خوب! حالا این قضیه را کجا باید قضاوت کرد؟! و کجا آقای مدرس باید معتقدات و نظریات که در بودجه دارند اظهار بفرمایند؟ و در کجا باید مسائل بحث شود؟! بدیهی است که در مجلس باید بحث و اظهار شود؟ و در اینجا باید مسائل را بگوئیم و اظهار کنیم.

چرا نگفته بگذاریم و برویم؟ و چرا کار بماند؟ بعد اگر فرصتی شد و جمع را قلم بقلم نگاه کردیم آنوقت قضایا معلوم میشود. شاید در ضمن يك حقیقی هم معلوم بشود و آشکار بشود که ما نمیدانستیم. آنوقت ما چشمهامان رامیپالیم و باز میکنیم. و میرویم مطابق آن

رؤیا با حقایقی که کشف شده است بودجه خرج را منظم میکنیم و باید دانست که تمام این بودجه های خرج هم در يك مرتبه و يك جلسه و دو جلسه و يك هفته تمام نخواهد شد و هر کدام از بودجه های تفصیلی يك كتابچه خواهد شد البته وقتی طبع و توزیع شد ملاحظه میفرمائید تمام این ها را که نمی توانید در يك روز ملاحظه بفرمائید بمجرد اینکه بودجه جمع را تمام کردند شروع میشود به بودجه های تفصیلی از نمره يك. دو سه چهار. حالا اگر آقای مدرس نظری دارند و میل دارند که نمره پنج حاضر است بجای نمره يك مطرح شود آن يك نظری است ولی خودتان میدانید که هیچيك از این بودجه ها رای نهائی داده نمیشود مگر اینکه تماش گذشته باشد و این برای ما فرقی ندارد. زیرا هیچيك از این بودجه ها از این مجلس بیرون نمیرود تا تمامش تمام شده باشد. این مطابق عملی است که همیشه رفتار میشده و نظامنامه در اینصورت فرقی ندارد نه برای بنده و نه برای کمیسیون بودجه و نه برای جناب مستطاب عالی که نمره يك اول مطرح باشد یا نمره دو و بانه و یا نمره دیگری. زیرا وقتی رای تصویب قطعی و نهائی نسبت به بودجه مملکتی داده میشود که تمام بودجه ها یکی یکی در مجلس طرح شده باشد و از او گذشته باشیم و تمام شده باشد آنوقت بر میگردیم بماده دوم این بودجه که معین میکند افلاک ماده خرج است. هر وقت بانجا رسیدیم شما بآن ماده خرجی که بنظرشان زائد میرسد ممکن است رای ندهید و البته بان ماده هم رای نمیگیریم مگر وقتی که مقدمات کار تمام شده باشد. حالا آقای مدرس میفرمایند اگر رای بدهیم چه میشود. این يك نقطه ایست. ببخشید. عذر میخواهم بنده فرمایش آقایان را نفهمیدم برای اینکه شما که رای میدید ناچارید که اول باین رای بدهید. شما وقتی که يك قانون بیست ماده می خواهید بگذرانید چطور میگذرانید؟ اول ماده يك را رای میدهید و وقتی که رای دادید او تمام است؟

تمام اوقاتش را با سرعت هرچه تمامتر صرف تصویب بودجه بکنند باز عملاً موفق بتصویب این بودجه نخواهد شد. بنده خیلی عذر میخواهم ولی چون از يك شخصی شنیده ام که نظارش این بود که هیچوقت بودجه نباید از مجلس بگذرد و می گفت مصلحت در این است که همیشه کار بر روی يك دوازدهم اداره شود. از این جهت عرض میکنم اگر این نظر باشد که هیچ. و البته عقیده ام آزاد است. و بنده معتقدم که عقیده هر کس مطابق صلاح مملکت باید آزاد باشد ام از اینکه وکیل باشد یا غیر وکیل حالا اگر ما میخواهیم بودجه در مملکت داشته باشیم و اگر میخواهیم که این ترتیب فعلی که يك ترتیب مضر و غلطی است از بین برود هیچ راه غیر از این نیست که آقایان هم خودشان را صرف مطرح کردن این بودجه بکنند و با جدیت هرچه تمامتر این بودجه را طرح کنند و تمام مقاصدی که آقایان دارند در هر قسمت که نظری دارند خوبست در پشت همین ترتیب بفرمایند و مسائل در حین مباحثه ممکن است روشن شود آقای مدرس فرمودند باید دید که فلان مبلغی که بفلاک خرج تخصیص پیدا کرده آیا در موقع عمل تطبیق میکند یا نه؟ خوب! این مسئله را کی باید ببینند و در کجا باید روشن شود؟ اگر من که وزیر مالیه هستم یا هیئت وزراء که قوه مجریه شما است باید این مسئله را ببینیم بنده عرض میکنم من دیده ام و میدانم که مطابقت میکنند و اگر ندیده بودم امضاء نمی کردم یا دولت اگر ندیده بود امضاء نمی کردم شما باید ببینید و البته وقتی که بودجه تفصیلی طرح و شوارع یا بودجه وزارت جنگ یا مثلاً فواید عامه در اینجا طرح شد آقایان ملاحظه میکنند و اگر نظری دارید میفرمائید و با رقم و مداد کاغذ استدلال کنید که مثلاً فلان مبلغ بودجه باید بیش از اینها حاصل بدهد. آنوقت من هم همین جا و پشت همین ترتیب استدلال میکنم و با رقم ثابت و مدلل میکنم که تخیر این مبلغ باید همین حاصل را بدهد حتی بنده بالاخر

وزیر مالیه - این ماده بیست و یک چه میگوید .
میگوید : مادام که عده منتظرین خدمت وزارتخانهها
بیش از صدی پنج مستخدمین هر وزارت خانه است
پرداخت حقوق آنها بنحو ذیل خواهد بود . در این جا
اختلاف نظر و اختلاف سلیقه است . و قانونی که
در این باب موجود و درست است همان قانون استخدام
است که میگوید صد پنج منتظر خدمت هر وزارتخانه
را باید حقوق داد ولی در آنجا نگفته که چه جور
باید بانها حقوق داد و تکلیف مخصوصی معین کرد .
امروز بنده در وزارت مالیه يك نظامنامه گذرانده ام
منی بر اینکه اول به کسانی که سنین خدمتشان بیشتر
است بانها بدهند و ایشانرا مقدم دارند در درجه دوم
بکسانی که محاکمه نشده و محکوم نشده اند بدهند
و در درجه سوم چه و چه . مقصود این است
چون بموجب قانون به بیشتر از صد پنج نمیشود حقوق
داد و ناچار يك عده از گرفتن حقوق محروم خواهند
بود از این جهت بنده مطابق اجتهاد و سلیقه خودم
این ترتیب را در وزارتخانه راجع بخودم در نظر گرفته ام
حالا اگر آقای مدرس بفرمایند چرا بنده هم در جواب
ایشان عرض میکنم هم چرا . برای اینکه قانون از مجلس
گذشته که در بین منتظرین خدمت بیش از صد پنج
نمی توانند حقوق بگیرند ولی قانون نگفته چه جور .
این قانون را شما در دست من داده اید که اجرا کنم
و مادام که شما مرا در این کار نگاهداشته اید و من
مجری این هستم باید يك طرز اجرائی برای این قانون
پیدا کنم و راهی که بنده پیدا کرده ام همین ترتیبی است
که در نظر گرفته و در وزارتخانه مربوطه خودم اجرا کرده ام
يك وزارتخانه دیگر يك طرز دیگر برای خودش قائل
شده مثلا وزارتخانه - همه با هم جمع شده اند و فکر
کرده اند و بالاخره اینطور توافق نظر بین خودشان
پیدا کرده اند که حقوق انتظار خدمت را تومان شمار
بین خودشان تقسیم کنند و وزیر وزارت خانه اش هم

با این نظر موافقت کرده و این طرز را اجرا کرده اند
شاید اگر این ترتیب را به بنده پیشنهاد میکردند
قبول نمیکردم ولی در آنجا وزیرش موافقت کرده . حالا
که اینطور شده بنده می توانم باو بگویم و ابراد کنم
چرا این طور کردید ؟ اگر بگویم جواب خواهد داد
همچرا . حالا آمدیم سر کمیسیون بودجه کمیسیون بودجه ما
اظهار کرد و گفتند این ترتیب شما خوب نیست ما هم تصدیق کردیم
و گفتند چکار باید بکنیم . ما گفتیم و صحیح هم گفتیم
که قانون بودجه یعنی مواد قانونی بودجه برای تعیین
و قانونی کردن طرز خرج است . آقای مدرس حضرتعالی
را که با دست علامت نفی میفرمائید مراجعه میدهم به
بودجه ۳۰۴ که خودتان تصویب فرمودید . الان
بودجه ۳۰۴ را ممکن است بخواهید و جلو روی خودتان
بگذارید و ملاحظه بفرمائید که در آنجا از این قبیل
مواد زیاد دارد و صحیح هم این است و هر قانون
بودجه که تصور بفرمائید باید از این مواد داشته باشد
اگر هم میل داشته باشید ممکن است قوانین بودجه
سایر مهالك را هم بنده بیاورم و بسرکار نشان بدهم .
بعضی ها اصلا عقیده شان بالاتر از این است . این
خودش يك طرز فکر و يك نوع اجتهادی است بعضی
عقیده شان این است که اصلا قانون بودجه در مملکت
باید اس اساس تمام کار ها باشد و صاحبان این عقیده
قائل به قانون تشکیلات در وزارتخانهها نیستند و اصلا
میگویند قانون تشکیلات وزارتخانهها یعنی قانون بودجه
و معتقدند که يك قسمت عمده از قوانین اصلا لازم نیست
و هر چه هست باید در قانون بودجه گذرانند . اینهم
البته يك اصل و فتوائی است که يك اشخاصی
خودشان را در قبول آن محق دانسته اند خاصه
کسانی که دو بست سال ، دو بست و پنججاه سال است
که بودجه دارند . مجلس دارند . قانون دارند و عمل
هم کرده اند . حالا ما اینجا هم ترفقه ایم و اینجا هم
کاری نداریم . بنده خودم شاید شخصاً از نقطه نظر

فکر شخصی خودم قائل باین اصل باشم که از لحاظ
صلاح مملکت قانون بودجه باید قائم مقام قوانین اداری ما
شود این عقیده شخصی بنده است . در هر صورت يك
همچو عقاید و نظریات هست . و این ها يك مسائل و
مطالب نظری است . فرض بفرمائید بنده مدعی هستم
که این ماده بیست و یکی که آقا بآن اشاره فرمودند
بیچ وجه از آن قبیل که میفرمایند نیست . برای
اینکه طرز خرج است و اشاره بر این است که این
پول صد پنج را مثلا شما چطور باید بدهید و همانطوریکه
در يك بودجه جزو وزارت خانه مینویسد . اداره فلان
مبلغ اینجا هم در يك ماده نوشته اند که صد پنج حقوق
انتظار خدمت هم باین شکل تقسیم میشود اما حالا تصور
میکم نظر آقا این است که این ماده در قانون بودجه
نباید باشد ممکن است آقا این نظر را داشته باشند و يك
دلایلی داشته باشند که وقتی فرمودند خود بنده هم که
این نظر را ندارم نظریه ایشانرا تصدیق کنم . ما نباید

این را ببندهایم دور البته کمیسیون بودجه که این
بودجه را امضا کرده اند و برای شما فرستاده اند البته
آنها هم دارای يك فکر مستقل و صاحب يك عقیده و
نظری هستند و بر طبق مأموریتی که بانها داده شده است
رفته اند و وظیفه خودشان را اجرا کرده اند . اختلاف
نظر را در اینجا باید رفع کرد نه در کمیسیون بودجه .
و به عقیده بنده هر اشتباه و هر کار غلط و اشتباه
قانونی هم که در این لایحه باشد برای رفع آن می بایستی
در اینجا مذاکره کنیم . شما نباید این را از سر خودتان
باز کنید مگر اینکه آن سیاست و عقیده در کار باشد
که مثلا دوازدهم خوب چیزی است . این نظر را بنده
معتقد نیستم و گمان نمیکنم که آقایان هم معتقد باشند .

رئیس - پیشنهاد شده است جلسه ختم شود . بقیه

مذاکرات میباید برای روز سه شنبه

(مجلس نیمساعت از ظهر گذشته ختم شد)